

پاسخ نامه آیین دادرسی کیفری

سوال 101 

طبق ماده ۲۶۲، اگر در آخرین دفاع، متهم یا وکیل او مطلبی اظهار کند یا مدرکی ارائه دهد که ممکن است به کشف حقیقت یا اثبات برائت کمک کند، بازپرس مکلف به رسیدگی به آن است.

سوال 102 

بر اساس ماده ۲۶۳، اگر متهم یا وکیل وی بدون عذر موجه در وقت مقرر حاضر نشوند، بازپرس می‌تواند بدون اخذ آخرین دفاع، تصمیم نهایی را اتخاذ کند.

سوال 103 

به موجب ماده ۲۶۵، اگر عمل ارتكابی جرم نباشد یا ادله کافی برای انتساب آن به متهم وجود نداشته باشد، بازپرس باید قرار منع تعقیب صادر کند و پرونده را

برای اظهارنظر نزد دادستان بفرستد.

سوال 104 

مطابق ماده ۲۶۹، در صورت بروز اختلاف نظر بین بازپرس و دادستان، اگر بازپرس بر نظر خود پافشاری کند، پرونده برای رفع اختلاف به دادگاه صالح ارسال می‌شود و تصمیم دادگاه فصل الخطاب خواهد بود.

سوال 105 

طبق ماده ۲۷۰:

قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب و اناطه به تقاضای شاکی قابل اعتراض‌اند.

قرار بازداشت موقت، ابقاء یا تشدید تأمین، به تقاضای متهم قابل اعتراض است.

قرار تأمین خواسته نیز به تقاضای متهم قابل اعتراض است.

بنابراین، فقط گزینه ب از نظر سمت شخص و نوع قرار درست تنظیم شده است.

سوال 106 

مطابق ماده ۲۷۲:

« حل اختلاف بین بازپرس و دادستان در خصوص صلاحیت، نوع جرم یا مصادیق قانونی آن، با دادگاه کیفری دویی است که دادسرا در معیت آن فعالیت می‌کند. »

یعنی همان دادگاه کیفری دوی محل رسیدگی.

سوال 107 

طبق ماده ۲۸۰:

« اگر اعمال ارتكابی متهم روشن باشد ولی عنوان
اتهامی اشتباه باشد، دادگاه باید:

1. عنوان اتهامی صحیح را به متهم تفهیم کند،

2. به او فرصت دفاع بدهد،

3. سپس رأی صادر کند.

این ماده از حق دفاع متهم در برابر تغییر عنوان اتهام حمایت می‌کند.

سوال 108 

این ماده سه حالت را پیش‌بینی کرده:

1. جرم قابل گذشت → رضایت شاکی → عدول دادستان از کیفرخواست و صدور قرار موقوفی تعقیب توسط بازپرس

2. جرم غیرقابل گذشت + رضایت شاکی → در صورت فراهم بودن شرایط → عدول دادستان و تعلیق تعقیب

3. تغییر نوع مجازات به سبب رضایت → دادستان کیفرخواست جدید صادر می‌کند

سوال 109 

مطابق ماده ۲۸۶، تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان در موارد زیر الزامی است:

تمام موارد ماده ۲۰۳ (که به جرایم مهم‌تر می‌پردازد)

علاوه بر آن، در جرایم تعزیری درجه ۵ و ۶ نیز، این الزام وجود دارد.

این قاعده خاص برای حفظ مصلحت و دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان است.

سوال 110 

بر اساس ماده ۲۸۹:

اصل اختیار پیشنهاد انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل مقامات قضائی دادسراها، با دادستان کل کشور است.

اما در مورد دادستان‌های عمومی سراسر کشور، این پیشنهاد باید با نظر موافق رئیس کل دادگستری استان مربوطه باشد.

✓ سوال 111

مطابق ماده ۲۹۰ ق.آ.د.ک، دادستان کل کشور در جرایمی که مربوط به اموال، منافع، مصالح ملی و حقوق عمومی است، وظیفه‌ای فعالانه و نظارتی دارد و مکلف است آن را در مراجع ذیصلاح داخلی یا خارجی یا بین‌المللی پیگیری نماید.

این ماده بیانگر اهمیت نقش دادستان کل کشور در حراست از منافع ملی و عمومی در سطح داخلی و بین‌المللی است

✓ سؤال 112

مطابق ماده ۲۹۱، در خصوص مقامات و مسئولانی که به موجب قانون، رسیدگی به تخلفات‌شان مستقیماً در صلاحیت دیوان عالی کشور است، دادسرای دیوان عالی کشور عهده‌دار تحقیقات مقدماتی خواهد بود؛

یعنی مرجع تعقیب و تحقیق از این افراد، در مرحله نخست، همان مرجع عالی قضایی است که رسیدگی ماهوی را نیز انجام می‌دهد.

سوال 113

بر اساس ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه کیفری دو برخلاف دادگاه کیفری یک، با قاضی واحد (رئیس یا دادرس علی‌البدل) تشکیل می‌شود و در حوزه قضائی هر شهرستان وجود دارد. این دادگاه صلاحیت رسیدگی به بسیاری از جرائم تعزیری سبک‌تر را دارد.

سوال 114

طبق ماده ۳۰۲، دادگاه کیفری یک صلاحیت رسیدگی به جرائم زیر را دارد:

مجازات سلب حیات (اعدام)، حبس ابد، قطع عضو

جنایات عمدی با دیه نصف دیه کامل یا بیشتر (مثل مورد گزینه ج)

تعزیر درجه ۳ یا بالاتر

جرایم سیاسی و مطبوعاتی

بنابراین جنایت عمدی با نصف دیه کامل یا بیشتر، حتی اگر قصاص نداشته باشد، در صلاحیت دادگاه کیفری یک است.

سوال 115 

اگرچه قتل عمد ممکن است در چارچوب اقدامات امنیتی باشد، اما «قتل» ذاتاً در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، مگر مشمول عنوان‌های خاص ماده ۳۰۳ شود (که در این سؤال ذکر نشده).

توهین به رئیس‌جمهور در صلاحیت دادگاه عمومی

است، نه انقلاب.

تمام جرائم مربوط به مواد مخدر و روان گردان، صرف نظر از میزان، طبق بند پ ماده ۳۰۳، در صلاحیت دادگاه انقلاب است.

اگر اقدام امنیتی نباشد (مثل اجتماع و تبانی علیه نظام یا اقدام مؤثر علیه امنیت داخلی یا خارجی)، در صلاحیت دادگاه انقلاب نخواهد بود.

سوال 116 

این جرائم در دادگاه کیفری یک مرکز استان، به طور علنی و با حضور هیأت منصفه و رعایت قانون مطبوعات رسیدگی می شود.

سوال 117 

احاله از یک حوزه قضائی به حوزه ای دیگر در همان استان، نیازمند:

درخواست دادستان یا رئیس حوزه قضائی مبدأ

موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر همان استان

اما احاله از یک استان به استان دیگر (مثل تهران به
مازندران در این سوال)، مستلزم:

همان درخواست از دادستان یا رئیس حوزه قضائی مبدأ

موافقت دیوان عالی کشور

سوال 118 

طبق ماده ۴۱۹:

بند «الف»: احاله ممکن است اگر متهم یا اکثریت
متهمان در حوزه دیگری اقامت داشته باشند.

بند «ب»: نزدیکی دادگاه مقصد به محل جرم هم مجوز
احاله است.

اما طبق تبصره: اگر احاله باعث عسر و حرج شاکی یا
مدعی خصوصی شود، نباید انجام شود، حتی اگر
شرایط دیگر موجود باشد.

سوال 119 

مطابق ماده 578 ادک ، تشکیل دادرای نظامی ناحیه
در شهرستانها منوط به نیاز و تشخیص رئیس قوه
قضائیه است.

سوال 120 

طبق ماده ۵۹۷، جرائم در مقام ضابط دادگستری از
صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح خارج است و
در صلاحیت دادگاههای عمومی کیفری می باشد.

بنابراین گزینه «ب» نادرست و پاسخ صحیح تست

است.

سایر گزینه‌ها مطابق متن و مفهوم ماده ۵۹۷ هستند.